

سنت تعزیه خوانی در استان چهارمحال و بختیاری

علیرحم شایان

مسئول کانون تعزیه استان چهارمحال و بختیاری

مقدمه

چهارمحال و بختیاری در پرونده حیات خود زلال‌ترین اشک را به پای علم مصیبت حسین (ع) ریخته است و خالص‌ترین نذر و نیاز را فدای حریم اهل بیت علیهم‌السلام نموده است و سوابق طولانی در امر تعزیه دارد. روزگاری تعزیه‌خوان‌هایش فراتر از خاک استان خود صحنه‌داری می‌کردند، شیراز و اصفهان این دو مهد هنر با صدا و قامت رسای مردمی از همین دیار، خروش یا حسین و چکاچک شمشیر و شیهه اسب و نوای طبل و شیپور داشت، همچنین تهران. مرحوم سید عبدالباقی دهکردی (سید عبدالباقی دهکردی فرزند مرحوم سید جعفر که با ۳۹ پشت نسب او به حضرت زین‌العابدین (ع) می‌رسد) معروف به حاج صولت‌السادات عموزاده حضرت آیت‌الله حاج سید ابوالقاسم دهکردی، یکی از پیشکسوتان تعزیه چهارمحال و بختیاری که سمت معین‌البکایی داشت یک گروه تعزیه‌خوان مجرب و هنرمندی را تربیت نمود و علاوه بر اینکه در محل، ایفای نقش‌های تعزیه می‌نمودند در شیراز و اصفهان و تهران نیز تعزیه برپا می‌کردند. همه ساله از طرف مسعود میرزا، ظل‌السلطان، حاکم اصفهان دعوت می‌شد و در میدان نقش جهان و دیگر تکایا تعزیه برپا می‌نمود و خود نیز علاوه بر انجام وظایف سمت معین‌البکایی به شکرانه

تناسب اندام و قامت رشید و آواز شیوایی، که خداوند متعال به او عطا فرموده، ایفای نقش شخصیت‌های ممتاز و معروف وقایع کربلا از قبیل حضرت ابوالفضل‌العباس (ع) و حضرت مسلم ابن‌عقیل (ع) و حر بن یزید ریاحی را عهده‌دار می‌شد و به‌خوبی از عهده آن برمی‌آمد، تعزیه‌خوانان وی از افراد برجسته و حرفه‌ای انتخاب شده بودند، از جمله:

ملا تقی دزکی در نقش مخالف (شمر): ملا تقی ساکن روستای دزک بود و صدای رسایی داشت. گویند وقتی بدون میکروفن در روستا تعزیه می‌خواند در سر کوه بلندی در جنوب روستا صدایش شنیده می‌شد. ظل‌السلطان دستور می‌دهد دندان‌های نیش او را بکشند تا وقتی در اصفهان تعزیه می‌خواند صدایش زنان حرمسرا را ناراحت نکند.

ملا گل محمد دزکی در نقش ام‌لیلا؛ سید میرزا شهرکی در نقش امام (شهرک قصبه‌ای بود نزدیک دهکرد، در حال حاضر موسوم به شهرکیان است) ملا صفر باغبادرانی در نقش زینب (باغبادران روستایی از توابع لنجان اصفهان که اخیراً به شهر تبدیل شده است) و از تعزیه‌خوانان دهکرد (شهرکرد فعلی) سید آقارضا حسینی، سید ابوتراب هاشمی، پهلوان عیسی‌خان، سید محسن حشمت، سید مهدی صولتی، سید رحمان حسینی، سید ابوطالب حسینی، دکتر سید حبیب‌الله حسینی و حاج کمال مردانی را، که از تربیت‌شدگان مرحوم حاج صولت هستند، می‌توان نام برد.

مرحوم حاج صولت ۳۹ بار به زیارت نجف اشرف و کربلای معلّاً تشرّف پیدا کرده و غالباً در آن مکان‌های مقدس به اجرای تعزیه پرداخته است، در یکی از این سفرها در جوار حرم حضرت ابوالفضل‌العباس (ع) تعزیه شهادت آن حضرت را برگزار و خود نقش آن بزرگوار را ایفا می‌نمود که در وسط تعزیه ناگهان حالتی پیدا می‌کند که خود را به داخل حرم می‌رساند و یکی از شمشیرهای آویزان در حرم را پایین می‌آورد و تا پایان تعزیه در دست می‌گیرد، پس از خاتمه تعزیه، خدام حرم شمشیر را از او می‌گیرند. اما شب خواب می‌بیند که حضرت ابوالفضل می‌فرمایند چرا شمشیر را از ذاکر من گرفتید ببرید به او پس بدهید. فردای آن روز حاج صولت را به دفتر دعوت می‌کنند و شمشیر را هدیه می‌کنند به مردم چهارمحال که زمان ورود به محل مردم به استقبال می‌روند و شمشیر را با تشریفات خاصی وارد می‌کنند که در حال حاضر در منزل یکی



از نوادگان آن مرحوم نگهداری می‌شود و از آن زمان تاکنون آب آن شمشیر شفادهندهٔ مریضان مراجعه‌کننده است.

از اتفاقاتی که در یکی از سفرهای ۳۹ گانهٔ کربلا رخ می‌دهد و مرحوم حاج صولت از ترفند و اعجاز تعزیه‌خوانی استفاده می‌کند به این شرح است: یک کاروان بزرگ مرکب از مردم دهکرد (شهرکرد فعلی) و قراء و قصبات اطراف به سرپرستی شادروان حاج صولت عازم زیارت می‌شوند. وسایل نقلیهٔ آن زمان منحصر به چهارپایان بود و مسیر حرکت از طریق دهکرد- ملایر- کرمانشاه- قصر شیرین- خانقین و سپس داخل خاک عراق بوده است. هنگامی که قافله به حوالی کرند می‌رسند مطلع می‌شوند که جاده ناامن است و عده‌ای قصد دارند به قافله دستبرد بزنند، حاج صولت سران قافله را احضار و پس از تقویت روحی آنها بدین بیان که اولیاء مقدس اسلام و ائمه اطهار از حفظ حراست شیعیان و ارادتمندان خود دریغ نمی‌فرمایند به آنها توصیه می‌نماید که به طرف مقصد حرکت کنند و هرگاه مورد حملهٔ اشرار واقع شدند از ارواح مطهر شهدای کربلا استمداد طلبند و آن بزرگواران را به یاری خود بخوانند. کاروان به راه خود ادامه می‌دهد و مشارالیه به دنبال کاروان به راه می‌افتد و مراقب اطراف و جوانب مسیر زوار می‌گردد. پس از طی مسافتی، ناگهان از ماورای تپه‌های مشرف به جاده عده‌ای از اشرار پدیدار می‌شوند و با تهدید، مسافران را وادار به تسلیم می‌نمایند، در این هنگامه کلیهٔ افراد قافله از مرد و زن شروع به فریادهای: (یا ابوالفضل دخیل، یا قمر بنی‌هاشم دخیل یا حسین به فریاد زوار خود برس) نموده و منتظر امدادهای غیبی می‌شوند که در این حیص و بیص مشاهده می‌کنند از فراز تپه‌های مجاور شبهی پدیدار می‌شود که از حیث قامت و جبروت عیناً نظیر تمثال‌هایی است که از حضرت ابوالفضل‌العباس (ع) دیده‌اند. سوار بر اسب و شمشیر به‌دست و با نهایت جلاوت و با فریادهای رعدآسا به قافله نزدیک می‌شود و مرتباً تکرار می‌کند (لیک زوار غریبم، لیک شیعیان پدرم، لیک یاران برادرم) ظهور چنین فرشتهٔ نجاتی به صحنه قوت قلبی عجیب به کاروان می‌دهد و حالت تسلیم آنها را تبدیل به مقاومت و درگیری با اشرار می‌نماید، غارتگران که چنین رویداد غیرمترقبه‌ای را می‌بینند با شتاب و سرآسیمگی فراری می‌شوند و اثاثیه‌ای نیز از خود به‌جای می‌گذارند، این سوار شجاع و باتدبیر کسی جز جناب سید عبدالباقی (حاج صولت) نبود که با



تمهیدی چنین مؤثر در قالب حضرت عباس و با نیتی خیر جان و مال کلیه افراد قافله را از خطر قطعی نجات داد. این رویداد را باید از اعجاز و تعلیم و تربیت تعزیه دانست.

در نجف اشرف موضوع به سمع اغلب علما و مجتهدان از جمله آیت‌الله آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و آیت‌الله حاج میرزا حسین و حاج میرزا خلیل و دیگران می‌رسد که مشارالیه را مورد تمجید و تحسین قرار می‌دهند و در حق ایشان دعا می‌نمایند. سید نامبرده مورد احترام تمام طبقات مردم محل از جمله خوانین طراز اول بختیاری نظیر حاج علیقلی خان سردار اسعد، سردار جنگ و امیرمفخم بود. در حال حاضر هم در محل و حتی در قزوین زمانی که فرد تعزیه‌خوان نقش خود را به‌خوبی ایفا می‌نماید می‌گویند صولتی اجرا کرد که اشاره‌ای است به مرحوم حاج صولت. آن مرحوم در سال ۱۳۱۹ درگذشت و آرامگاهش در شمال شهرکرد زیارتگاه اهل دل است.

در چهارمحال و بختیاری این هنر مذهبی سمعی و بصری در ادوار گذشته و حال طرفداران بی‌شماری داشته و همه ساله به‌ویژه در ماه‌های محرم و صفر در اغلب شهرها و روستاها به اجرا درمی‌آید. در گذشته علاوه بر دهکرد (شهرکرد فعلی)، قهفرخ (فرخ‌شهر فعلی)، شهرک (شهرکیان فعلی)، چالستر، بن، سامان، بارده، جوتقان، دزک، بلداجی، گندمان، بروجن، نقنه، وانان، چلیچه، گهرو، شلمزار، دستگرد امامزاده، نافچ، وردنجان، خراجی، فارسان و سایر روستاها تعزیه‌خوانی شور و هیجان زائدالوصفی داشت و پیشکسوتان و معین‌البکاءهایی در امور تعزیه داشته‌اند. حقیر (نگارنده) به یاد دارم سالی که ماه محرم و صفر مقارن با زمستان بود، در روستای دزک که تعزیه‌خوانان ورزیده و نسخ باکیفیتی داشت علاوه بر اینکه از اول محرم تا آخر ماه صفر همه روزه اجرای تعزیه داشتند چهار روز هم در ماه ربیع‌الأول به تعزیه‌خوانی ادامه دادند که با توجه به اینکه بعضی روزها دو مجلس برگزار می‌شد بیش از هفتاد مجلس تعزیه به‌طور متوالی اجرا نمودند که فردی از اهالی محل به‌نام محمدخان اسدی به شوخی اظهار داشت اگر شما از خواندن تعزیه خسته نشده‌اید مردم از آمدن و نشستن پای تعزیه خسته شده‌اند.

تعزیه‌خوان‌های معروف روستای دزک در قرن حاضر عبارت بودند از: مرادعلی جعفری، ملامحمد افغانی، علی‌آقا صادقی (معروف به علی‌آقا شمر) در نقش مخالف‌خوان، سید آقارضا



حسینی، ملاعلی للگانی، مشهدی صفرعلی جعفری، مشهدی نجاتعلی مختاری و برادرش حاج امیرآقا مختاری، حسن‌بگ بکانی (معروف به ملاحسن)، مشهدی امامقلی یوسفیان در نقش اولیاخوان و حزین‌خوان، طفل‌خوان این دوره (۱۳۲۵ به بعد) هم این حقیر (نگارنده) و مشهدی علی‌مردان افغانی بودیم که با گذشت زمان اولیاخوان شدیم.

تعزیه‌خوانان معروف قرن گذشته این روستا بعد از ملاتقی و ملا گل‌محمد، که از برگزیدگان گروه مرحوم سید عبدالباقی دهکردی بوده‌اند، می‌توان ملا اسماعیل، ملا محمدجعفر و محمدتقی را نام برد.

در سایر روستاها نیز در گذشته تعزیه‌خوانان برجسته‌ای وجود داشته که نامشان بر سر زبان‌هاست، از جمله در قهفرخ: سیدحسین میرفروغی، کربلایی محمدتقی زاهدی، سیدمرتضی موسوی، آقا نعمت موسوی، حاج‌آقا رحیم میرفروغی، سیدعلی امام، حاج سیدحسن مصطفوی، عموحاجی آقا یوسفی، مشهدی قدرت‌الله قادری، ابوالقاسم آصف (معروف به ابول شمر). در وانان: ملاحسنعلی باقری، ملاحسن رئیسی، آخوند علیجان نظری، سید صفی‌الله اسدی (ذاکر)، ملا قدیر حیدری، سید میرطاهر صفوی، سیدکاظم صفوی، ملا میرزا، بهروز فتاحی.

در بن: میرزا حبیب دستان، ملاحسینقلی ریاحی، قربانعلی پکنه، حاجی‌بابا ریاحی، علیقلی نادری، حاج سیدرضای مرتضوی، مهدی احمدی، ملایوسف داوری، حسن‌آقا احمدی، سیدمحمد مرتضوی، شهید حجت‌الله ریاحی.

در شلمزار: کربلایی عبدالحسین حمزه، کربلایی علی‌آقا همتی، ملا میرزاخان باقری، امیرحسین حکمی، عبدالله سیفی، یدالله حمزه، احمدخان، ملا هادی، ملا علی‌بخش، احمدآقا صمیمی، میرزا نصرالله سیفی، ملا محمدرضا امینی، کدخدا محمدحسین امینی، ملاحسنعلی ملکپور، مشهدی امیدعلی حمزه.

در روستای دستنا: حاج حسین بابایی، حاج غلامحسن ایزدی، مشهدی نصرالله متقی، ملا صفرعلی متقی، حاج امیرقلی اصغریان، مشهدی محمدرضا محمدی، حاج ملاعبدالحسین ناصری، امیرقلی نجفی، علمدار ابراهیمی.

در شهرک: حاج امیرقلی گودرزی، سید میرزا.



در بلداجی: حاج میرزا ابراهیم سلطانی، حسین مقیمی، ملا محمدجان، سیدعلی علوی، ملا چراغعلی، آخوند نصرالله کارگر، مشهدی میرزاقلی، مشهدی امرالله صباغ، قدرت‌الله صباغ، میرزا قوام سلطانی.

در طاقانک: شکرخدا رحیمی، مشهدی بختیار رفیعی، کربلایی مهدیقلی رفیعی، مشهدی علی‌بابا بهرامی، سید علی‌اکبر علوی، علی‌آقا خوب، مشهدی ابوطالب بهرامی، امامقلی خدادادی، عباس شیرزادی.

در روستای خوی: ملا رجبعلی احمدی، هاشم امینی، آقاخان احمدی، میرزا حبیب‌الله رضایی، سیدآقا موسوی.

در گهرو: ملا مصیب شهبازی، ملا یدالله شهبازی، ملا اسدالله شهبازی، محمدکریم رئیسی، ملاعلی پناه، کربلایی غلامعلی محمدی، ملا روزعلی، ملا قربانعلی، گنجعلی شهبازی.

در روستای شیخ شبان: سید یونس و فرزندش سید روزعلی.

در روستای قلعه‌تک: محمدآقا یزدانی، عبدالحسین یزدانی، حاج یحیی بختیاری، ناصر عادل، سهراب عادل، کربلایی علیرحم عادل، احمد فروزنده، علیخان طاهری، موسی خان.



در حال حاضر هم، در استان چهارمحال و بختیاری بیش از یکصد گروه تعزیه‌خوان ساماندهی شده و زیر نظر کانون تعزیه استان وابسته به اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فعالیت دارند:

باباحیدر ۱ گروه	بروجن ۲ گروه	شهرکرد ۴ گروه
کران ۱ گروه	نقنه ۲ گروه	اشکفتک ۱ گروه
چالشر ۱ گروه	فرخ‌شهر ۱ گروه	مهدیه ۱ گروه
نافج ۲ گروه	سورشجان ۵ گروه	طاقانک ۲ گروه
دزک ۲ گروه	مصطفی‌آباد ۱ گروه	شهرکیان ۲ گروه
دستگرد ۱ گروه	وانان ۲ گروه	شمس‌آباد ۱ گروه
سورک ۱ گروه	خوی ۲ گروه	خراجی ۲ گروه
قلعه‌تک ۲ گروه	مرغملک ۱ گروه	تشنیز ۱ گروه
دشتی ۱ گروه	سودجان ۱ گروه	شلمزار ۲ گروه
حیدری ۱ گروه	هارونی ۱ گروه	دستناء ۲ گروه
سامان ۲ گروه	فارسان ۲ گروه	سلم ۱ گروه
مارکده ۱ گروه	گوجان ۲ گروه	گهرو ۳ گروه
بارده ۱ گروه	ده‌چشمه ۱ گروه	قلعه‌ممکا ۱ گروه
بن ۴ گروه	چلیچه ۲ گروه	بلداجی ۳ گروه
کاکلک ۱ گروه	جونقان ۱ گروه	گندمان ۲ گروه
پیربلوط ۱ گروه	وردنجان ۱ گروه	کنرک علیا ۱ گروه
پهنا ۱ گروه	فیل‌آباد ۱ گروه	امام قیس ۱ گروه
آزادگان ۱ گروه	ایل‌بیگی ۱ گروه	لارک ۱ گروه
پردنجان ۱ گروه	هفشجان ۱ گروه	شوراب‌صغیر ۲ گروه
یان چشمه ۲ گروه	قوچان ۱ گروه	امیرآباد ۱ گروه
آورگان ۱ گروه	چلوان ۱ گروه	ارجنک ۱ گروه
هوره ۱ گروه	شیخ‌شبان ۲ گروه	اردل ۱ گروه

اینک شرح مختصری از چگونگی اجرای تعزیه

۱- آهنگ

تعزیه با آهنگ منظوم اجرا می‌شود، شخصیت‌های مثبت در تعزیه آوازهای خود را خود به تن‌هایی می‌خوانند ولی شخصیت‌های منفی فقط اجازه دارند که اشعار را دکلمه کنند و به رجزخوانی بپردازند، بنابراین اشعار تعزیه به گونه‌ای خاص خوانده می‌شود، پس مجریان آن بایستی صدا و قابلیت اجرای نمایش را داشته باشند.

۲- تماشاگر

بینندگان، داستان‌ها را از پیش عمیقاً می‌شناسند و از وقایع آنها آگاهی دارند. به دلیل برجستگی، گیرایی و غمناکی بیشتر استفاده کرده و به کرات از آن سود جسته‌اند به همین خاطر اغلب ترجیح داده می‌شود که حضار از وقایع داستان آگاهی داشته باشند؛ البته بازگویی صریح داستان به صورت پیش‌واقع همیشه ضرورت ندارد و برخی از مجالس، مستلزم آگاهی بیننده از چند و چون داستان است.

۳- لباس

لباس‌ها به‌ویژه رنگ آنها به صورت قراردادی تعیین و مشخص می‌شود تا بیننده به محض به روی صحنه آمدن شخصیت وی را به‌جا بیاورد، در تعزیه شخصیت‌های مثبت و خوب جامه‌های به رنگ سبز، مشکی و قبل از شهادت سفید به تن می‌کنند، درحالی‌که شخصیت‌های منفی و پلید لباس قرمز می‌پوشند. رنگ قرمز به دلیل تضاد در میان دیگر رنگ‌ها فوراً تشخیص داده می‌شود. در تعزیه گاهی شاهد هستیم که فردی با خود در کشمکش است و در سر دوراهی قرار دارد مانند حر ریاحی که لباس زرد می‌پوشد.

۴- ابزار

اسباب و اثاث تعزیه بسیار مختصر است، ولی لباس‌ها سمبولیک هستند، تجهیزات صحنه دربرگیرنده اثاث واقعی و نیز نمادین است، شمشیرها، سپرها، زره‌ها، ضمناً اسب‌ها و شترها واقعی‌اند؛ از سوی دیگر، تجسم مکانی مثل رود پرخروش فرات در یک ظرف پر آب یا گودال



که در اطراف آن چند نخل مصنوعی غرس گردیده به‌عهدۀ بیننده است، جبرئیل، فرشته با چتری در دست و داشتن بال می‌تواند نمادی از فردی از بهشت باشد و اماکنی چون آرامگاه، مسجد، حرم یا خیمه چادرنشینان روی صحنه که با تعریف ساده و توافق قراردادی تجسم می‌شوند، نمادی به‌سادگی قابل تشخیص‌اند.

۵- سکو

در صحنه تعزیه، سکو در میانه یک محوطه قرار و قابلیت‌های متعددی دارد، یکی اینکه به بروز توانایی‌ها و مهارت بازیگر کمک می‌کند؛ دیگر اینکه رابطه‌ای نزدیک بین بازیگر و بیننده ایجاد می‌نماید. تعزیه را می‌توان همه‌جا اجرا کرد ولی ممکن است ساختمان و محل خاصی به‌نام تکیه به نمایش تعزیه اختصاص داده شود، برخی از تکایا عمارات بزرگی هستند که هزاران نفر را در خود جای می‌دهند، خصوصیت سکو و معماری اطراف آن، رابطه نزدیکی بین حضار و ماجرا برقرار می‌سازند و نزدیکی و تماس بازیگر و بیننده را فراهم می‌کنند که به مفهوم کلی، مشاهده‌کنندگان و مکان نمایش مکمل یکدیگرند.

۶- موسیقی

موسیقی تعزیه وظایف نمایشی گوناگونی دارد، میان‌پرده‌ها را مشخص می‌نماید، صحنه را از هم متمایز می‌کند، ورود و خروج بازیگر را از صحنه اطلاع می‌دهد، حضاران را از وقایع خاص و جزئیات آن آگاه می‌سازد، شخصیت‌ها را به آنان می‌شناساند، حرکت بازیگران را به‌ویژه در صحنه‌های نبرد گویاتر می‌سازد و ریتم و ضرب ماجرا را شدت می‌بخشد.

۷- معین‌البكاء

کارگردان، مدیر صحنه، رهبر تعزیه (میرزا- استاد یا تعزیه‌گردان) و دستیارانشان (ناظم‌البكاء) همگی در معرض دید قرار دارند و نه تنها اسباب و اثاث روی صحنه را به‌دست بازیگران ایفای نقش می‌دهند بلکه صحنه را در حین اجرای یک مجلس برای مجلس بعدی آماده می‌کنند، آنان بازیگر را به محل مناسب روی صحنه راهنمایی می‌کنند و ترتیب ورود و خروج آنان را می‌دهند، گاهی نیز در آوازخوانی با گروه همسرایان شرکت می‌کنند، (ناگفته نماند که تعزیه‌خوانان حرفه‌ای

کمتر به کمک و راهنمایی معین البکاء و سایرین نیازمندند و خود به خود نقش را بدون تذکر معین البکاء یا فهرست گردان ایفا می نمایند).

۸- نسخ تعزیه

اغلب نویسندگان متون تعزیه ناشناس اند یا آن را از متون دیگری می گیرند که شعرا و مؤلفان جمع آوری و تألیف کرده اند. از شعرای نسخه نویسی که شناسایی شده اند می توان: شعاع، مداح، انجم، میرعزا، میرغم کاشانی، بیضای اردبیلی، نجم الشعرا، ملک الشعرا، تاج الشعراء سامانی (عمان)، نیشان سامانی، دهقان سامانی (سیف الشعرا)، میرزا حبیب دستان نبی، میرصفی الله وانانی (سید ذاکر)، ملا هیبت الله بابایی (غواص)، استاد محمدحسن الله گانی (مجرم)؛- (۷ نفر اخیر اهل چهارمحال و بختیاری بوده و نسخ آنها زمینه چهارمحال است- را نام برد و دیگر سینه سوختگانی در قلمرو عشق الهی نیز بوده اند که ناشناخته مانده اند.

در نسخه های تعزیه، رنگ و بوی ایرانی در تحریر آنها کاملاً مشهود و آشکار است، بازیگران با وجود اینکه نقش های خود را غالباً حفظ هستند مع الوصف نسخه را به دست می گیرند یا در پر شالشان جای می دهند. به هر حال، هنگام مکالمه نسخه را در دست می گیرند این کار صرفاً به علت به یاد آوردن جملات در صورت فراموش کردن بازیگر نیست بلکه یادآوری این نکته است که بازیگر فقط در حال ایفای نقش است، احتمالاً این عمل از طرز فکر و نگرش اسلامی است که هرگونه تشبیه محض به اولیاء را ممنوع می کند.

شناخت اوراق زر مانند نسخ تعزیه و گردآوری و غور و تفحص در برگ برگ این متون دراماتیک موجب ذکر شیوه های نمایشی و جلوه های نیایشی و آذین های صحنه ای و قراردادهای اجرایی خواهد شد، از باب یادآوری باید گفت که تکرار اجرای چند مجلس شناخته شده شبیه خوانی، ما را از شناخت بیش از سیصد مجلس دیگر غافل می نماید و برخی از شبیه خوانان خود اذعان دارند که بسیاری از نسخ شبیه خوانی را نخوانده اند و شناختی از قلمرو و مجالس متعدد تعزیه ندارند، پس ضروری است تا نسخه ها در حرمخانه موریه های تیزدندان صندوقچه های تعزیه نامه تباہ نشده است آنها را شناسایی و گردآوری کنیم و سپس تحلیل و تبیین مضامین آنها را برعهده بگیریم. خوشبختانه در سال های اخیر زعمای اداره کل فرهنگ و ارشاد



اسلامی استان چهارمحال و بختیاری توجه خاصی به امر تعزیه و برپایی آن مبذول داشته‌اند و با تشکیل کانون تعزیه تاکنون نه سوگواره استانی و نخستین سوگواره فاطمیه و همایشی در بزرگداشت یکی از پیشکسوتان تعزیه استان برگزار و در هفته دفاع مقدس سال‌های گذشته نیز دو مجلس حماسی تعزیه برگزار نموده است.

به پیشنهاد این حقیر (نگارنده) و موافقت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان چهارمحال و بختیاری اصلاح و بازنویسی نسخ تعزیه توسط هیئتی به‌نام هیئت تصحیح نسخ تشکیل و کار تصحیح و حذف تحریفات از نسخ آغاز و تاکنون تعداد انگشت‌شماری از نسخ زمینه چهارمحال و بختیاری تصحیح شده است و قرار است تعزیه‌خوان‌های استان که در حال حاضر ۱۱۱ گروه هستند همه از یک زمینه استفاده نمایند.

سیر تاریخی ماتم‌داری

یکی از سنت‌های نیک که در واقع از شعائر اسلامی است سوگواری برای خاندان عصمت و طهارت (ع)، خصوصاً سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و یاران باوفایش است. مردم به کمک مجالس عزاداری می‌توانند با این خاندان ارتباط برقرار کنند و از آن فروغ‌های فروزان بهره‌مند شوند؛ بنابراین، از برکات مهمی که جامعه از آن برخوردار است این مجالس با عظمت است که قادر است دل‌ها را به حق و حقیقت و ایمان و باورهای دینی وصل نماید. ابهت و هیبت این مراسم باشکوه در طی تاریخ به‌حدی بوده که ستمگران و جباران با زبان و عمل وحشت خود را نسبت به آن بروز داده‌اند، درحالی‌که ستارگان آسمان ولایت و امامت در برپایی چنین مجالسی تأکید وافری داشته‌اند و احادیث و روایات متعددی در این باره از قول آن وجودهای مبارک نقل شده است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «نفس آن کسی که برای مظلومیت ما غمگین باشد تسبیح است و اندوه او به‌خاطر ما عبادت است». ائمه ما در فرصت‌های مناسب خاطره عاشورا را زنده نگه می‌داشتند، امام سجاد (ع) متبلور ساختن این حماسه عظیم را به صور گوناگون یادآور می‌شد و خود در اندوه واقعه کربلا چندان گریست که از آسیب دیدگان مبارکش بیمناک شدند.

چون ماه محرم فرا می‌رسید حزن و اندوه و گریه امام صادق (ع) در مصیبت جدش حسین (ع) زیاد می‌شد و مردم از اطراف، خدمت آن حضرت جمع می‌شدند و با ایشان به یاد مصائب کربلا نوحه‌سرایی و عزاداری می‌نمودند. حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرموده‌اند: «تمام چشم‌ها روز قیامت گریان و باز و بیدار است جز چشم کسی که خداوند او را مخصوص به رحمت خود گردانیده و بر حسین و آل محمد (ص) گریان بوده است». شهید مطهری: «گریه بر شهید، شرکت در حماسه او و هماهنگی با روح او و موافقت با نشاط او و حرکت در موج اوست».

هم احساس شدن با آن حماسه‌های جاوید اثر دیگری هم به دنبال دارد و از ثمرات ثمین آن این است که جامعه اصلاح می‌شود و به نیکی‌ها و اعمال خیرخواهانه روی می‌آورد و منکرات و رفتارهای ناروای افراد جامعه کاهش می‌یابد. باید این نکته را در نظر داشته باشیم که برپایی تعزیه هدفی مقدس است و باید از مجرای صحیح و اصولی وارد آن شد به گونه‌ای که با حقایق و معارف اسلامی منافاتی نداشته باشد.

عزاداری از زمان آل‌بویه تاکنون

اولین مراسم عزاداری علنی و همگانی توأم با تعطیل نمودن دکان‌ها و بستن بازارها و رها کردن دیگر فعالیت‌ها در روز عاشورای سالار شهیدان از زمان احمد معزالدوله دیلمی در نیمه قرن چهارم هجری متداول گردید. (دهم محرم سال ۳۵۲ق). بعدها ملاحسین کاشفی در اوایل قرن دهم هجری (سال ۹۰۸) کتاب مقتل گونه روضه‌الشهدا را نوشت که عده‌ای بر سر منبر می‌رفتند و این کتاب را برای مستمعان می‌خواندند تا با شنیدن مضامین آن متأثر شوند و نوحه‌سرایی کنند.

در عصر صفویه، که تشیع مذهب رسمی ایران اعلام گردید، عزاداری شکل جدیدتری به خود گرفت و شعرا به جای مداحی برای افراد، درخصوص کربلا و عاشورا شعر سرودند، در این عصر، برای افزایش هیجان مردم و پیوستن آنان به صفوف عزاداران، نواختن طبل و کوبیدن سنج رایج شد و ادوات جنگی که در میدان رزم کاربرد داشت به این گونه مجالس راه یافت، شیپورزنی، علم‌گردانی و حرکت دادن کتل نیز مورد استفاده سوگواران قرار گرفت، گردانیدن مرکب بدون راکب در میدان‌های عمومی و معابر در هنگامه عزاداری از سنت‌های این عصر محسوب می‌شود.



در این دوران، تعزیه مراحل مقدماتی خود را می‌گذراند و هنوز شبیه‌خوانی به مثابه هنری مستقل مطرح نبوده است.

در عصر زندیه، کریم‌خان زند به شبیه‌خوانی توجه نمود و آن را رواج داد و در آغاز دوره قاجار مجالس تعزیه گسترش یافت و در عصر ناصری به اوج خود رسید. در اواخر دوره قاجاریه علما به دلیل راه یافتن مضامین وهن‌انگیز به نسخ تعزیه و فاصله گرفتن این نمایش‌ها با عزاداری، برخی مشاهده آن را تحریم نمودند.

اغلب نسخ تعزیه را در دوران ناصری میرسید مصطفی کاشانی ملقب به «میرعزا» تهیه می‌کرد و در اختیار دسته‌های تعزیه‌خوانی به تناسب اجرای نقش قرار می‌داد، تعزیه‌های کاشان، نطنز، زواره از نسخ زمینه میرعزا است. به دستور امیرکبیر یکی از شعرا به نام «میرزا شهاب‌الدین اصفهانی ملک‌الشعرا» مرثی و اشعار مذهبی شیوا با مضامین عالی و آموزنده‌ای سرود و اشعار نارسا و سبک را از مرثی سیدالشهدا حذف کرد. همچنین امیر به همان ملک‌الشعرا عصر خود سفارش نمود که دوازده مجلس تعزیه بنگارد و این اولین اصلاح در تعزیه بود که در اواسط قرن سیزدهم انجام پذیرفت.

در عهد محمدشاه قاجار میرماتم برادر میرعزا و پسرش آقا کاظم میرغم شغل نسخه‌نویسی را ادامه دادند. میرعزا در سرودن اشعار از آثار شعرایی چون حافظ و سعدی و فردوسی بهره گرفت و بیشتر از همه از سروده‌های قآنی شیرازی تقلید نمود مانند:

بارد چه؟ خون دیده، چسان؟ روز و شب

از غم، کدام غم، غم سلطان کربلا

میرماتم گاه گاه تخلص خود را در اشعار تعزیه آورده است

شاید که ره نجات باشد به دو چیز

لطف تو و اشک «میرماتم» شاها

میرزا محمدتقی که در دستگاه فتحعلی‌شاه نفوذ داشته چندین مجلس نگارش نموده است. محمدعلی متخلص به «رجا» و ملقب به «نجم‌الشعرا» اهل کوهپایه اصفهان روستای زفره (۱۲۸۱-۱۳۶۱ق) نیز یکی از نسخه‌نویس‌ها بوده است:

ای «رجا» در این مصیبت خون بیار

یاورت باشد رسول تاجدار

از نسخه‌نویس‌های دیگر، اسماعیل هنر فرزند یغمای جندقی، محمدعلی مستوفی محمدآبادی جرقویه‌ای، حاج میرزا امین خلیفه سلطانی متخلص به «طایر» و مشهور به حاج آقا، ملاحسین رضوانی بنگ‌آبادی جرقویه‌ای (میرعزا)، کربلایی عمو محمد تاجر گرگانی، قضایی مینابی بندرعباسی، سید محمدبن زین‌العابدین رضوی را می‌توان نام برد. همچنین ملاآقا بابای کازرونی معروف به ملابابا بیضای اردبیلی، شعاع، مداح، تاج‌الشعرا.

برخی از تعزیه‌نویسان از تاریخ ناب اسلام و حوادث صدر اسلام بی‌بهره بوده و بنیه علمی ضعیفی داشته‌اند و حتی به اسلوب و قالب‌های شعری هم در حد مطلوب واقف نبوده‌اند. این نقیصه در مجالس تعزیه‌ای که از آنان سروده شده ملموس و مشهود بوده و آثار آنها را آسیب‌پذیر نموده است و متأسفانه این مجالس تعزیه هنوز هم در گوشه و کنار کشور اجرا می‌شود.

در استان چهارمحال و بختیاری نیز نسخه‌نویس‌های متعددی وجود داشته است که متأسفانه به‌علت ذکر نمودن تخلص خود عده‌ای ناشناخته مانده‌اند و تعداد انگشت‌شماری شناسایی شده‌اند که گاهی در اشعار تخلص خود را ذکر نموده‌اند مانند دهقان سامانی (سیف الشعرا: ۱۲۶۵ق-۱۳۲۶ق):

آمده سیف‌الشعرا در خروش

نالد و گوید که حسین کشته شد

و نیسان سامانی (۱۲۷۵ق-۱۳۵۰ق):

«نیسان» ز بعد قتل من نوحه‌سرا گردد

از طبع غرا در سخن معجز نما گردد

و ملا هیبت‌الله بابایی دزکی (غواص، ۱۲۶۹ش-۱۳۲۹ش):

هست غواص غرق گناهان

روسیاه همه روسیاهان

استاد محمدحسن لله‌گانی (مجرم، ۱۳۰۲ش-۱۳۶۹ش):



دیگر تو مجرم مزن ز مرگ اکبر رقم
 بنه تو خامه ز کف شکن تو سر از قلم
 و سید صفی‌الله وانانی (سید ذاکر، ۱۳۶۵ش)
 سید ذاکرت بود مادح
 درد دارد دوا چه نام علی
 که خود نیز تعزیه‌خوان بوده‌اند و اشعار نغز و شیوایی در مجالس تعزیه و نوحه‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی از خود به‌جای گذاشته‌اند.

منابع

- استفاده از نوشتارها و گفتارهای استاد دکتر جابر عناصری در رسانه‌ها و جلسه حضور در مشهد مقدس.
 - شمایل، ویژه‌نامه سومین سوگواره سراسری (نکوداشت حماسه احرار)، بهار ۸۲، مشهد مقدس، ص ۳۸-۳۷.
 - فصلنامه فرهنگی هنری اجتماعی بام ایران، چهارم‌حال و بختیاری، پیش شماره اول، پاییز ۷۷، ص ۸۹-۸۶.
 - فصلنامه فرهنگی هنری اجتماعی بام ایران، چهارم‌حال و بختیاری، شماره اول، بهار ۷۸، ص ۱۰۵-۱۰۲.
 - فصلنامه فرهنگی هنری اجتماعی بام ایران، چهارم‌حال و بختیاری، شماره هشتم، زمستان ۷۹، ص ۵۵-۵۳.
- چهار مورد مذکور نوشته علیرحم شایان (اینجانب).